شهادت مامور پلیس در درگیری با سارقان

یکی از ماموران انتظامی در جریان دستگیری سارقان مسلح خانه به شهادت رسید. سرهنگ فرشاد کاظمی، فرمانده انتظامی ماهشهر استان خوزستان به سایت پلیس گفت: «صبح پنجشنبه، بیست و پنجم فروردین امسال، همزمان با وقوع سرقت مسلحانه از خانه‌ای با پوشش لباس نظامی و متواری شدن سارقان، تحقیقات پلیسی آغاز شد. ماموران موفق شدند سارقان را در یکی از مناطق سربندر شناسایی کنند. در درگیری بین سارقان با ماموران انتظامی، یکی از سارقان با شلیك گلوله ماموران به هلاکت رسید.» وی افزود: «استوار یکم، مصطفی رفیع‌زاده از مأموران پلیس بندر ماهشهر در جریان دستگیری سارقان، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. در این عملیات، دو نفر دیگر از اعضای این باند دستگیر و یك قبضه سلاح کلاشنیکف و یك قبضه کلت کمری از متهمان کشف شد.» پیکر این شهید دیروز بر دوش همرزمانش تشییع شد و در زادگاهش، روستای واجل در شهرستان باغملك به خاك سپرده شد.

روایت یکی از نزدیکان مرد جوان مشهدی و دو کودکش که در چابهار غرق شدند

تراژدی در ساحل چابهار

لیلا حسین‌زاده
حوادث

پس از رودخانه کارون در اهواز که چهار عضو یک خانواده جان خود را بر اثر واژگونی قایق در آن از دست دادند، ساحل مواج و توفانی چابهار هم حادثه آفرید و یک پدر ۳۵ ساله مشهدی همراه دو کودک خردسال پنج و ۱۰ ساله خود در غرق شدند. این حادثه در حالی رخ داد که پدر خانواده غریق نجات بود و تا آخرین ثانیه‌های زندگی‌اش سعی کرد جان کودکانش را نجات دهد اما بر اثر شدت خستگی و امواج سهمگین موفق نشد و هر سه غرق شدند.

کیمیا ۱۰ سالش بود، کوروش پنج و پدر هم تنها ۳۵ سال عمر از خدا گرفته بود. آنها اهل مشهد بودند و قرار بود چند روزی به چابهار مسافرت کنند که به آخرین سفرشان تبدیل شد. ۲۱ فروردین ماه، محمد بزن‌آبادی تصمیم گرفت همراه با همسر، دو کودک، پدربزرگ و مادربزرگ بچه‌ها به چابهار سفر کند که بسیار به طبیعت آنجا علاقه داشت. ساعت حوالی یک‌ونیم بعدازظهر بود که خستگی و گرسنگی به همه غلبه کرد. پس از صرف ناهار و استراحت در پارک، مادر، کنار کیمیا ماند تا کلاس آنلاینش تمام شود، کوروش کوچک همراه با پدربزرگ و مادربزرگ به ساحل رفتند تا عکس و فیلم بگیرند. ساعتی بعد، مادر و کیمیا هم به بقیه ملحق شدند. همگی مشغول تماشای مناظر زیبای چابهار بودند که کوروش کوچک با دستان آغشته به ماسه به سمت آب رفت تا آنها را بشوید که ناگهان موج بلندی خیز برداشت و کوروش را با خود برد. کیمیا که شاهد حادثه بود و شنا بلد بود، دوید و کوروش را در آغوش گرفت. کیمیا تلاش کرد از دریا خارج شود که موج دیگری باز هم خیز برداشت و این بار هر دو را با خود به عمق دریا کشید. پدر ناگهان چشمش به دو فرزندش افتاد که با امواج سهمگین دریا در حال مبارزه بودند. او غریق نجات بود و بدن بسیار ورزیده‌ای داشت. وقتی وارد آب شد، خودش را به‌سرعت به دو کودکش رساند و هر دو را در آغوش گرفت. لحظه به لحظه به‌شدت امواج دریا افزوده می‌شد. مادر که متوجه حادثه شده بود، خودش را به آب زد تا جان همسر و دو فرزندش را نجات دهد اما موج قدرتمند دیگری او را به سمت ساحل پرتاب کرد. پدربزرگ که شاهد حادثه بود، به کمک عروسش رفت تا دوباره به سمت آب نرود و گرفتار امواج نشود. مادربزرگ مستاصل و ناامید شروع به جیغ‌زدن کرد و از مردم کمک خواست. مردم جمع شدند و با نیروهای امدادی و ۱۱۰ تماس گرفتند.

جانفشانی پدر تا آخرین ثانیه

رضا بزن‌آبادی، برادر محمد به جام جم می‌گوید: «مردم درخواست کمک می‌کردند اما کسی تلفن‌ها را جواب نمی‌داد. می‌گفتند این حادثه ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه بعدازظهر رخ داده است اما با پرس‌وجو از شاهدان حادثه و بررسی شواهد، متوجه شدم حادثه ۱۸ و ۳۰ دقیقه اتفاق افتاده. عده‌ای می‌گویند ۱۵ یا ۲۰ دقیقه بعد از حادثه، نیروهای امدادی که مشخص نبود از هلال‌احمر است یا آتش‌نشانی، به محل آمده و جلیقه و امکانات لازم هم داشتند. مردم از گوشه و کنار التماس می‌کردند بپر داخل آب اما او گفته بود اگر وارد آب شوم، جان خودم هم به خطر می‌افتد. مردم باز هم گفتند حداقل طناب یا تیوب پرت‌کن اما امدادگر هیچ اقدامی انجام نداده بود. مادرم روسری و چادرش را به‌هم گره زده و گفته بود حداقل با استفاده از چادرم، پسر و نوه‌هایم را نجات دهید.» پدر تمام تلاشش را می‌کرد تا اجازه ندهد فرزندان و خودش اسیر امواج دریا شوند: «همه مردم گریه می‌کردند و می‌گفتند برادرت ۴۰ دقیقه تمام، بچه‌ها را نگه داشته بود. من هم شنا بلدم و می‌دانم ۴۰ دقیقه پا زدن درون آب چقدر دشوار است.

برادرم امیدوار بود بالاخره نیروهای امدادی از راه می‌رسند. چند نفر از اهالی می‌خواستند درون آب بپرند و برادرم و فرزندانش را نجات دهند اما امدادگران اجازه این کار را به آنها نداده و گفته بودند این کار برای ما مسؤولیت دارد. هر چه زمان می‌گذشت، پدر و دو کودکش از ساحل دورتر می‌شدند. پس از مدت زمانی طولانی، خستگی به بدن ورزیده پدر غلبه کرد و کوروش آرام از آغوشش جدا شد. مردم می‌گفتند چهره برادرت نشان می‌داد توانش به‌شدت کم شده است.» پدر با این‌که نای ایستادن نداشت، تصمیم گرفت دوباره کوروش را از آب بگیرد اما ناگهان موج دیگری آمد و این بار کیمیا را هم از آغوشش دزدید. مردم اشک می‌ریختند و به نیروهای امدادی التماس می‌کردند که کاری انجام دهند. سه انسان مقابل‌شان در حال جان دادن بودند و این خارج از تحمل مردم بود. پدر یک لحظه نگاه کرد دید هر دو کودکش به یک پهلو روی آب افتاده‌اند. همانجا متوجه شد فرزندانش را از دست داده است و پدر نیز امیدش را از دست داد. عموی بچه‌ها ادامه می‌دهد: «یکی از شاهدان می‌گفت وقتی حادثه رخ داد، من به‌سرعت درخواست کمک کردم. حتی به نیروهای امدادی گفتم شماره حساب بدهید همین الان ۱۰ میلیون تومان واریز می‌کنم اما فقط جان این سه نفر را نجات دهید.»

جست‌وجو برای یافتن پیکر کیمیا

حادثه که تمام شد، بزن‌آبادی، متوجه گوشی برادرش شد. وقتی تصاویرش را نگاه کرد، متوجه شد برادرش محمد تا ساعت ۱۷ و ۵۳ دقیقه در حال تهیه فیلم و عکس بود: «پس زمان وقوع حادثه اعلامی از طرف امدادگران واقعیت نداشت و برای توجیه کار خود ساعت وقوع حادثه را ۱۷ و ۳۰ دقیقه اعلام کرده بودند. پیکر کوروش و برادرم پیدا شد اما پیکر کیمیا نه. کسی از نیروهای امدادی دنبال پیکر کیمیا نبود. با چند مرکز تماس گرفتم و علت را جویا شدم که گفتند پیکر پس از مدتی روی آب می‌آید. با شنیدن این حرف به‌شدت ناراحت شدم و گفتم می‌خواهید پیکر تکه‌تکه برادرزاده‌ام را تحویل دهید؟ گفتند چابهار امکانات ناچیزی دارد و دریا هم توفانی است. پس از مدتی با مرد جوانی آشنا شدم و وقتی دید ناراحتم گفت فراخوان می‌زنم و از مردم کمک می‌خواهم. ساعاتی بعد، حدود ۴۰ نیروی مردمی به ساحل آمدند.» مردم محلی جست‌وجوی وسیع را آغاز کردند که تا اذان مغرب ادامه داشت. عموی بچه‌ها به مردم گفت خسته شده‌اند و بهتر است به خانه برگردند و افطار کنند. همان مردی که فراخوان داده بود، گفت دوباره فراخوان می‌دهم. ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه شب بود که تعداد زیادی خودرو وارد ساحل شد: «بنزین در چابهار به‌سختی پیدا می‌شود اما خودروهای زیادی در ساحل، چراغ‌های روشن را به سمت دریا انداختند تا کار جست‌وجو به‌سرعت پیش رود. این روند تا ۳ و ۳۰ دقیقه صبح ادامه داشت. من که شرمنده محبت و فداکاری مردم شده بودم، گفتم به خانه بروید و سحری بخورید. تا ساعت ۷ صبح کنار ساحل ایستادم و بعد به همان آقا گفتم حادثه را رسانه‌ای‌کن تا نیروهای امدادی که انواع امکانات را در اختیار دارند به کمک‌مان بیایند.

مردم عادی امکانات لازم را ندارند و خدای ناکرده ممکن است حادثه‌ای برای آنان رخ دهد. ساعاتی بعد، قایق‌های هلال‌احمر و فکر می‌کنم نیروی دریایی سپاه هم آمد و ساحل را چندبار جست‌وجو کردند. به گفته آنها، این قایق‌ها با به حرکت درآوردن آب کمک می‌کنند تا پیکر کیمیا بالا بیاید. در نهایت ساعت حوالی ۱۱ روز دوشنبه پیکر برادرزاده‌ام را هم از آب گرفتیم.»

آن‌طوکه بزن‌آبادی می‌گوید، وقتی به بخشی از اسکله کلانتری رفت، متوجه انبوهی از قایق، جت‌اسکی و لنج شد که پارک شده بود «اگر کسی می‌خواست خود را به محل حادثه برساند، یک دقیقه زمان می‌برد که با احتساب لباس پوشیدن پنج دقیقه می‌شد اما نیامدند و من سه عزیزم را از دست دادم.»

هلال احمر، ماموریتی در دریا ندارد

در حالی که عموی خانواده عنوان می‌کند نیروهای امدادی دیر به محل حادثه رسیده و تلاشی برای نجات پدر و دو فرزندش نکردند، حسن مصفا، رئیس اداره عملیات امداد و نجات استان سیستان و بلوچستان به جام جم گفت: «هلال احمر هیچ ماموریتی در دریا ندارد و نیروهای امدادی ما در ساحل مناطق سالم‌سازی حضور دارند تا اگر حادثه‌ای رخ داد، بتوانند عملیات احیا و انتقال به مراکز درمانی را انجام دهند.»

وی افزود: «این خانواده در محلی خارج از محدوده سالم‌سازی، گرفتار موج‌های دریا شدند که در آن منطقه غریق‌نجات حضور نداشت تا به آنها کمک کند، با این وجود همکارانم وقتی از حادثه باخبر شدند، خود را به آنجا رسانده و در عملیات کشف پیکر قربانیان شرکت کردند.»

مصفا درباره ادعای عموی خانواده مبنی بر این‌که برادرش ۴۰ دقیقه برای نجات فرزندانش تلاش کرد، بیان کرد: «در محل حادثه، موج‌های سنگین، فرد غریق را به صخره می‌کوبد که همین احتمال نجات وی را کاهش می‌دهد. در این منطقه باید اقداماتی صورت بگیرد تا از ورود افراد به داخل جلوگیری شود.»

صحنه‌سازی واقعی در خیابان‌های کرج

دو تبهکار که به سبک فیلم صحنه‌زنی با تصادف‌های ساختگی از راننده خودروهای مدل بالا اخاذی می‌کردند، با تیزهوش مامور پلیس راهور، گرفتار شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، هفته گذشته، تصادفی در بلوار دانشگاه کرج به پلیس راهور این شهر گزارش و ماموری برای بررسی صحنه تصادف راهی محل شد. بررسی‌ها نشان داد، خودروی هیوندای شاسی‌بلندی با دو عابر تصادف کرده و باعث آسیب به آنها شده است. راننده در تشریح ماجرا به افسر راهور گفت: امروز با سرعت کم در حال عبور از این بلوار بودم که صدای فریاد برخورد با بدنه خودرو در سمت شاگرد و فریاد دو مرد را شنیدم. وقتی پیاده شدم، دو مرد که پایشان را گرفته بودند، روی زمین افتاده بودند. من در رانندگی احتیاط می‌کنم و حواسم به آنها بود و مطمئنم با تصادف ساختگی، قصد اخاذی دارند. آنها حتی پیشنهاد دادند دو میلیون تومان به آنها بدهم تا کار به شکایت و دادسرا نکشد.

مامور راهور با بررسی صدمات دو عابر و نحوه حرکت خودرو به ماجرا مشکوک شد، به همین دلیل به بررسی دوربین مداربسته مغازه‌ای پرداخت که در مقابل محل تصادف قرار داشت. بررسی این فیلم نشان داد، راننده درست گفته و تصادف، ساختگی و با هدف اخاذی بوده است. به این ترتیب دو متهم دستگیر و برای پیگیری پرونده به دادسرا منتقل شدند.

سرهنگ حمدا... رحمتی‌پور، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی البرز در این باره به جام جم گفت: با افشای موضوع، تحقیقات ادامه یافت و دریافتیم در دو سال گذشته متهمان ۱۹ بار با پلیس ۱۱۰ تماس گرفته و گزارش تصادف جرحی داده بودند. آنها با شناسایی خودروهای مدل بالا، صحنه‌سازی کرده و قبل از حضور پلیس از راننده حدود دو میلیون تومان می‌گرفتند تا از شکایت منصرف شوند. آنها طوری فضاسازی می‌کردند تا راننده متوجه غیرواقعی بودن تصادف نشود.

وی با اشاره به این‌که تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد، خاطر نشان کرد: شهروندان در صورت تصادف جرحی، سریع با پلیس تماس گرفته و صحنه تصادف را برهم نزنند تا مورد بررسی قرار گیرد. رانندگان توجه داشته باشند، یکی از شگردهای این متهمان، ایجاد جو روانی برای راننده است تا قدرت تصمیم درست را از او بگیرند.

بعد هم پیشنهاد پرداخت پول به جای شکایت و گرفتاری‌های بعد از آن است. به همین دلیل سعی کنید، خونسردی خود را حفظ کرده و بهترین تصمیم را گرفته و سریع با پلیس و نیروهای امدادی تماس بگیرید.

دختر جوان، قربانی کینه خواهر و برادر ناتنی‌اش شد

زن و مرد میانسال برای انتقام از خواهرناتنی خود، روی خواهرشان اسید ریخته و با ضربه چاقو او را به قتل رساندند. متهمان مدعی شدند قصد داشتند خواهرشان را زمینگیر کنند اما باعث مرگ او شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه هفدهم بهمن سال گذشته جسد زن ۳۴ ساله‌ای در خانه‌ای در محله نارمک تهران از سوی نامزدش پیدا شد. مرد جوان وحشت‌زده، در تماس تلفنی ماجرای این جنایت را گزارش داد. ماموران در بررسی آنجا متوجه شدند مقتول با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده و روی گردنش اسید ریخته شده است. با تحقیق از نامزدش معلوم شد آنها پنج سال قبل در دانشگاه آشنا شده و نامزد کردند. مینا به نامزدش گفته بود، مدتی است فردی او را تعقیب می‌کند.

با بررسی صحنه قتل مشخص شد، دو گوشی تلفن همراه مقتول سرقت شده است.

تحقیقات خانوادگی در پرونده هم نشان داد، مقتول با خواهر و برادر ناتنی خود اختلاف داشته است. به همین دلیل آنها در لیست مظنونان پرونده قرار گرفتند. خواهرناتنی مینا، اوایل هفته گذشته دستگیر و برای تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد. او در بازجویی‌ها به قتل با همدستی برادرش اعتراف کرد و گفت: پدرمان مینا را بیشتر از ما دوست داشت، همه امکانات برای او بود و به خاطرش کتک می‌خوردیم و تحقیر می‌شدیم. خواهرناتنی‌ام می‌خواست بازیگر شود که پدرم مخالفت کرد و او گرافیک خواند و پنج سال طول کشید تا لیسانس بگیرد. رفتار او باعث شد آتش کینه هر روز در وجود من شعله‌ورتر شود. سه روز قبل از جنایت به برادرم زنگ زدم و گفتم وقت انتقام است که قبول کرد. قرار شد خودرویش را آتش بزنیم و او را خانه‌نشین کنیم. جوهرنمک خریدم و به خواهرناتنی‌ام زنگ زدم که به دیدنش می‌آیم. وقتی به مقابل خانه‌اش رسیدم از پنجره، کلید را پایین انداخت و همراه برادرم که چهره‌اش را پوشانده بود وارد شدیم. مینا در حال صحبت با تلفن بود. وقتی تلفن را قطع کرد، برادرم وارد شد. مینا ترسید و با او درگیر شد. در این درگیری، برادرم او را با ضربه‌های چاقو کشت. با اعتراف این زن، برادرش دو روز پیش بازداشت شد و در تشریح ماجرا گفت: قرار بود مینا را نقص عضو کنیم تا خانه‌نشین شود اما کشته شد. آن روز موقع درگیری پارچه از چهره‌ام افتاد و مرا شناخت. با هم درگیر شدیم که پایم به میز خورد و بطری اسید روی گردن او و زمین ریخت. حال او بعد شد. بر اثر استنشاق بوی اسید، نفس کشیدن برای من سخت شده بود. چاقویی برداشته و با آن چند ضربه به مینا زدم که باعث مرگش شد. بعد هم دو گوشی تلفن همراه او را برداشتم تا انگیزه قتل را سرقت نشان دهم. خواهرم مرا به خانه‌اش برد، لباسم را عوض کردم. چاقو را در سطل زباله خیابان انداختم و به شهرستان رفتم.

محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: مرد میانسال به اتهام مباشرت در قتل عمدی خواهرناتنی‌اش و خواهر او به اتهام معاونت در قتل روانه بازداشتگاه اداره دهم پلیس آگاهی تهران شدند.

تلنگر

آتش گرفتن ۱۲ خانه در روستا

آتش‌سوزی در روستای ارازگل شهرستان رامیان، منجر به آتش گرفتن ۱۲ خانه شد.

فرهاد میقانی، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان گلستان به ایسنا گفت: «ساعت ۵ بامداد پنجشنبه بیست و پنجم فروردین امسال، آتش‌سوزی ۱۲ خانه در روستای ارازگل خان‌ببین در شهرستان رامیان، به آتش‌نشانی و نیروهای امدادی گزارش شد. این ماجرا ۳۵ نفر حادثه‌دیده داشت که درپی آن، چهار خانوار که نیاز به اسکان موقت داشتند، اسکان داده شدند و اقلام غذایی میان آنها توزیع شد. بقیه خانواده‌ها در منزل اقوام ساکن شدند و یك نفر که مصدوم بود سرپایی درمان شد. عملیات آواربرداری هشت واحد مسکونی آسیب‌دیده انجام شده و آواربرداری بقیه خانه‌ها ادامه دارد. تحقیقات اولیه نشان می‌دهد اتصال سیم برق یك واحد مسکونی در روستای ارازگل، باعث آتش‌سوزی و سرایت آن به بقیه خانه‌ها شده است.

زورگیر نیستم؛ شکارچی‌ام

ماموران پلیس پیشگیری تهران بزرگ، مردی را با یك قبضه اسلحه وینچستر در جنوب تهران بازداشت کردند که مدعی بود شکارچی گوزن است. به گزارش سایت پلیس، چند روز پیش گزارشی مبنی بر این‌که مردی میانسال با تهدید اسلحه وینچستر در حال اخاذی و زورگیری است، به ماموران کلانتری خلیج‌فارس تهران رسید. ماموران با حضور در محل متوجه شدند وی محل را ترك کرده و روز بعد که دوباره به همان حوالی بازگشت، ازسوی ماموران انتظامی با شلیك تیرهوایی بازداشت شد. از متهم یك قبضه اسلحه وینچستر و ده‌ها فشنگ که در پشت مخزن سوخت خودرو جاسازی کرده بود، کشف شد. وی مدعی بود با این سلاح به شکار گوزن و خرگوش می‌رفته و حالا می‌خواسته سلاح را از بین ببرد که بازداشت شده است. اما تحقیقات نشان داد که شکارچی نبوده و با تهدید اتباع بیگانه در کشور، از آنها پول زور می‌گرفته است.

کلاهبرداری زن رمال در فضای مجازی

زن رمال که با فریب خانم‌ها در فضای مجازی از آنها ۴۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده بود، بازداشت شد.

حسین زارع، فرمانده انتظامی شهرستان بابلسر استان مازندران دیروز به ایسنا گفت: «یکی از شهروندان با حضور در پلیس آگاهی شکایت کرد که فردی با روش‌های متقلبانه و تحت عنوان رمالی وی را فریب داده و از او کلاهبرداری کرده است. در جریان تحقیقات معلوم شد که ماجرا صحت دارد. زن کلاهبردار تحت عنوان رمالی و با استفاده از شبکه‌های مجازی، اقدام به تشکیل کانال و گروه‌های متعدد اجتماعی کرده، از این طریق بانوان را به عضویت در این کانال و گروه‌ها دعوت و با فریب آنها به بهانه حل مشکلات‌شان، از آنها کلاهبرداری کرده است. زن رمال بازداشت شد و در تحقیقات به جرایمش در ارتباط با این کلاهبرداری‌ها اعتراف کرد. تاکنون پنج نفر از مالباختگان او را شناسایی و از وی شکایت کرده‌اند. او تاکنون ۴۰۰ میلیون تومان از زنان کلاهبرداری کرده است.

کشف اجساد ۲ کوهنورد گمشده در ارتفاعات

اجساد دو کوهنورد فوت‌شده در ارتفاعات میشو از ناحیه بنیس و شانجان شبستر پس از سه ماه پیدا شدند. تقی خبازی، رئیس جمعیت هلال‌احمر شهرستان شبستر استان آذربایجان‌شرقی به فارس گفت: «بیستم دی سال گذشته دو کوهنورد اهل بنیس شبستر در کوه‌های میشو این شهرستان ناپدید شدند. تیم‌های امدادی هلال‌احمر استان و شهرستان‌های اطراف، عملیات گسترده‌ای را برای یافتن آنها در ارتفاعات میشو آغاز کردند اما انباشت برف در صخره‌ها و دره‌ها که گاه به چندین متر می‌رسید، امکان جست‌وجو را غیرممکن ساخت. با گذشت سه ماه از ناپدید شدن دو کوهنورد، ساعت ۱۲ ظهر پنجشنبه بیست و پنجم فروردین امسال اجساد آنها از سوی یکی از کوهنوردان در ارتفاعات میشوداغ (چای‌دره) در ضلع شمالی قره‌داشلار (داخل دره) پیدا و موضوع برای انتقال پیکرهای جانباختگان به هلال‌احمر شبستر اعلام شد.